

## نامه‌ای به آندره ژید. ترجمه سعید فیروزآبادی

۶۳

ژانویه ۱۹۵۱

آندره ژید عزیز و گرامی

مترجم جدید آثار شما، لوزبرگ، نسخه‌ای از برگهای پاییزی را برایم فرستاد و حال که بیشتر این خاطرات و مشاهدات را خواندم، به نظر می‌رسد جالب و صحیح نباشد که از مترجم بابت این محبت تشکر کنم و به صاحب اثر سلام و سپاسی نفرستم.

مدتها پیش باید چنین می‌کردم، اما می‌دانید که از مدتی پیش خستگی شدیدی بر من عارض شده و حال و روز فعلی من مناسب ملاقات با عزیز می‌نست که سنش از من بیشتر است. اما این خستگی ممکن است تا پایان عمر دوام یابد. پیش از فرارسیدن آن روز می‌خواهم دوباره آن حس سپاسی را که در سالهای اخیر در من فزونی گرفته است و علاقه خود را به شما بیان کنم.

به نظر می‌رسد که آدمهایی مثل مادر روزگار فعلی کمیاب هستند و اندک اندک احساس تنهایی به سراغشان می‌آید، به همین دلیل نیز خوشبختی و تسلائی است که شاهد دفاع شما از آزادی، کرامت انسانی، اندیشه و تعهد فردی باشم. بیشتر همکاران جوانتر و متأسفانه نسل خود ما به موضوعی کاملاً متفاوت، یعنی به اندیشه‌های غالب



میشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

و یکسویه گرایش دارند، تفاوتی نمی‌کند که این اندیشه لوتری، رومی یا کمونیستی باشد یا هر اندیشه دیگری. بسیاری در پیروی از این شیوه تفکر حتی جان خویشتن را فدا کرده‌اند. آری، با هر تغییر اندیشه هریک از دوستان قدیمی به سوی کلیسا یا هر تفکر دیگر، با هر رویگردانی همکاری خسته و ناامید، جهان برای امثال ما حقیرتر و ادامه زندگی دشوارتر می‌شود. فکر می‌کنم شما نیز چنین حال و روزی داشته باشید.

درود مجدد فردگرای پیری را بپذیرید که هدفش تغییر اندیشه بزرگ ماشینی عصر حاضر است. ♦ ♦ ♦





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی